

ستایش شادمانه

تبیین نشاط اجتماعی در ایران

تألیف

دکتر موسی عنبری

دانشیار دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۹۴۸۱

شماره انتشار ۳۹۲۹

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: عنبری، موسی، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور	: ستایش شادمانه: تبیین نشاط اجتماعی در ایران / تألیف موسی عنبری.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۸ ص.: نمودار.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۹۲۹.
شابک	: 978-964-03-7207-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۹۵] - ۳۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: تبیین نشاط اجتماعی در ایران.
موضوع	: شادی-- ایران-- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: شادی-- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: شور زندگی-- ایران-- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: شور زندگی-- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: شادی-- جنبه‌های مذهبی-- اسلام
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۲ع۹ش/۵۷۵ BF
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۲/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۱۱۸۶۳

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

عنوان: ستایش شادمانه؛ تبیین نشاط اجتماعی در ایران

تألیف: دکتر موسی عنبری

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

ISBN:978-964-03-7207-4



9

789640 372074

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

بها: ۲۵۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	ذ
بخش اول : تبیین نشاط اجتماعی	۱
فصل اول: مسأله و مفهوم نشاط	۳
مقدمه.....	۳
مفهوم نشاط: از شادی تا شادزیستی اجتماعی.....	۸
رضایت‌مندی.....	۱۷
مفاهیم مترادف و همسو.....	۱۸
۱- نشانه‌های عام و فیزیکی.....	۱۸
۲- نشانه‌های خاص و فرهنگی.....	۱۹
فصل دوم - اندیشه‌ها	۲۳
مقدمه.....	۲۳
الف- باور عامه.....	۲۴
ب- باور دینی.....	۲۶
۱- مفاهیم و مضامین.....	۲۶
۲- مصادیق و جلوه‌ها.....	۲۸
۱-۲- شادمانی کاذب.....	۲۹
۲-۲- شادمانی پایدار.....	۳۰
ج- تبیین‌های فلسفی.....	۳۵
۱- اندیشه‌ی ادی‌مونیا.....	۳۵
۲- اپیکوریسم.....	۳۸

۳۹	۳- اندیشه متفکرین اسلامی.....
۴۸	۴- اندیشه اصالت نفع.....
۵۰	د- تبیین‌های علمی (تجربی).....
۵۲	۱- رویکرد نگرشی - شناختی.....
۵۲	۱-۱- پندار خصائل ثابت شخصیتی.....
۵۴	۱-۲- پندار قضاوت ذهنی فردی.....
۶۱	۱-۳- پندار مقایسه نسبی.....
۶۲	۱-۴- پندار نفع فردی.....
۶۴	۲- رویکرد نهادین (اجتماعی- فرهنگی).....
۶۵	۲-۱- پندار رفتارهای جمعی و گروهی.....
۶۶	۲-۲- پندار خصائل فرهنگی وتاریخی.....
۶۷	۲-۳- پندار فرایندهای نهادین.....
۷۰	۲-۴- پندار ساخت‌های قدرت در روابط اجتماعی.....
۷۲	۳- رویکرد انتقادی: ایدئولوژی شادکامی.....

۷۵	فصل سوم : روش‌شناسی و تبیین نشاط
۷۶	مقدمه.....
۷۶	ابهامات روش شناختی.....
۷۷	الف- اعتبار سنجه‌ها.....
۷۸	ب- اعتبار داده‌ها.....
۷۸	ج- اعتبار تبیین.....
۷۹	عوامل تبیین‌گر.....
۸۱	الف- عوامل فردی و جمعیتی.....
۸۶	ب- عوامل اقتصادی و مادی.....
۹۳	ج- عوامل فرهنگی.....
۹۷	د - عوامل اجتماعی و سیاسی.....
۱۰۶	نتیجه‌گیری: مدلی برای تبیین.....

فصل چهارم : ارزیابی تطبیقی شادزیستی در جهان	۱۱۱
مقدمه	۱۱۳
۱- شاخص شادزیستی در جهان	۱۱۴
۱-۲- شادزیستی از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰	۱۱۴
۲-۲- داده‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷	۱۲۴
بخش دوم : نشاط و شادزیستی اجتماعی در ایران	۱۳۱
فصل پنجم : بسترهای تاریخی	۱۳۳
مقدمه	۱۳۶
الف- زمینه تاریخی	۱۳۶
ب- زمینه‌های هنجاری و اجتماعی	۱۵۲
ج- زمینه‌های معیشتی (کار فرح‌بخش)	۱۵۶
د- زمینه‌های مذهبی	۱۶۰
۱- جشن‌های اسلامی	۱۶۱
۲- جشن‌های مسیحیان ایران	۱۶۸
۳- جشن‌های یهودیان (کلیمیان) ایران	۱۷۱
ه- زمینه‌های مدرن شادی	۱۷۳
نتیجه‌گیری	۱۷۶
فصل ششم : بسترهای کنونی : از خوب زیستن تا شادزیستی اجتماعی	۱۷۷
مقدمه	۱۸۰
۱- شرایط زیست‌محیطی: حوادث مخل نشاط عمومی	۱۸۳
۲- شرایط اجتماعی و جمعیتی: توسعه انسانی مبنای نشاط عمومی	۱۸۸
۲-۱- شاخص‌های جمعیتی	۱۸۹
۲-۲- شاخص‌های توسعه انسانی	۱۹۱
۲-۳- سلامتی و بهداشت	۱۹۲
۲-۴- آموزش و سواد	۱۹۴

- ۱۹۵..... ۵-۲- برخورداری از خدمات زیربنائی
- ۱۹۶..... ۳- شرایط اقتصادی و درآمدی
- ۲۰۳..... ۴- حکمرانی سیاسی و شادزیستی مردمی
- ۲۰۶..... ۵- شرایط فرهنگی: سبک‌های فکری و رفتاری
- ۲۰۸..... نتیجه‌گیری

فصل هفتم : شاخص‌های نشاط و شادزیستی ۲۰۷

- ۲۰۷..... مقدمه
- ۲۰۸..... یک- احساس شادی
- ۲۰۸..... ۱- نشاط در دهه ۱۳۷۰
- ۲۱۱..... ۲- نشاط در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰
- ۲۱۵..... ۳- ترکیب پیمایش‌های جهانی
- ۲۱۹..... دو- رضایت از زندگی
- ۲۲۲..... الف- رضایت از موقعیت
- ۲۲۴..... ب- رضایت از فرایندها و شرایط اجتماعی
- ۲۲۷..... سه- امید به آینده
- ۲۳۱..... چهار- امنیت روانی (احساس امنیت)
- ۲۳۶..... پنج- سبک زندگی شادمانه: گونه‌های فراغت فرح‌بخش
- ۲۴۲..... جمع‌بندی و تبیین
- ۲۴۲..... الف: تبیین بسترها
- ۲۴۲..... ۱- بسترهای تاریخی
- ۲۴۷..... ۲- بسترهای کنونی
- ۲۵۱..... ب) نشانگرهای شادزیستی
- ۲۵۲..... ۱- احساس لذت و شادکامی
- ۲۵۲..... ۲- رضایت از زندگی
- ۲۵۶..... ۳- امنیت روانی
- ۲۵۶..... ۴- سبک و فراغت شادمانه

ج) رونمایی از عوامل تبیین‌گر..... ۲۵۸

فصل هشتم : سیاست‌ها و راهبردهای ارتقاء شادزیستی اجتماعی ۲۶۳

مقدمه..... ۲۶۳

سیاست‌های شادزیستی در چشم‌انداز جهانی..... ۲۶۴

رویکرد دولت‌ها به نشاط در ایران..... ۲۷۱

مدیریت و سیاست‌گذاری نشاط در ایران..... ۲۷۳

الف- تمرکزگرایی در نشاط..... ۲۷۶

۱- حضور مستقیم: سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شادزیستی..... ۲۷۷

۱-۱- مواجهه روشن با مقوله نشاط..... ۲۷۷

۱-۲- سیاست‌گذاری علمی نشاط..... ۲۷۸

۱-۳- تمرکز بر نشاط حقیقی و پایدار..... ۲۸۰

۱-۴- تقویت آئین‌های ستایش شادمانه..... ۲۸۱

۱-۵- بهانه‌های تشکیل اجتماعات هویت‌بخش..... ۲۸۲

۱-۶- محلی‌گرایی در برنامه‌های نشاط..... ۲۸۴

۲- راهبرد مدیریت نظامند: مدیریت عوامل موثر..... ۲۸۵

۲-۱- اقتصاد شادزیستی..... ۲۸۵

۲-۲- سیاست و حکمرانی شادکامی..... ۲۸۶

۲-۳- فرهنگ شادکامی..... ۲۸۷

۲-۴- تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی مروج شادزیستی..... ۲۸۹

ب- تمرکززدایی در نشاط..... ۲۹۰

نتیجه و کلام پایانی..... ۲۹۲

منابع و مأخذ ۲۹۵

الف- فارسی..... ۲۹۵

ب- انگلیسی..... ۳۱۴

د □ ستایش شادمانه : تبیین نشاط اجتماعی در ایران

نمایه ۳۲۹

الف- اشخاص و مکان‌ها..... ۳۲۹

ب- موضوع.....

پیشگفتار

معمولاً کتاب‌ها و نوشتارهای تخصصی و پژوهشی با آیها (پرسش‌ها) شروع می‌شوند، با تشریح وضعیت‌ها ادامه می‌یابند و در پایان با باید‌ها (راهکارها) به اتمام می‌رسند. این کتاب نیز با پرسشی آغاز می‌شود، با تبیین و تشریح وضعیت موجود پیش می‌رود و با راهکارهایی به پایان می‌رسد.

پرسش کتاب این است که «نشاط یا شادزیستی چیست؟ چه معرف‌هایی دارد؟ چه عواملی در تبیین آن دخیل‌اند و چگونه می‌توان عوامل عام کنترل‌پذیر در شادزیستی مردمی را دست‌کاری و مدیریت کرد؟»

یکی از پرسش‌های مهم کتاب این است که شادزیستی مردمی در ایران در مسیر تاریخ چه تحولاتی یافته است و در حال حاضر، گونه غالب شادی مردمی چیست؟

علاقه دارم در آغاز کتاب، اندکی در مورد سؤال آخر سخن بگویم و شرایط شکل‌گیری شادی ایرانیان را در روزگار قدیم و حال توصیف کنم. سریع و صریح بگوئیم که ایرانیان مردم روزگار سخت بوده‌اند و در شرایط سخت نیز همچنان شادزیست باقی مانده‌اند. این سرزمین، «رخمی سربلند دوران‌ها» بوده و در کوران حوادث و بلایا اعم از قحطی‌ها، خشکسالی‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها و مهم‌تر از همه جنگ‌ها و یورش‌ها، همواره آئین‌های شادمانی و جمع‌های نشاط‌افزای خود را از دست نداده است. در واقع سخت‌گیری ایرانی با سهل‌گیری، مبارزه آن با مطایبه، حزن آن با شادکامی نزدیک بوده است. البته که توقف بین دو مقام مبارزه و مطایبه، دشوار و کم‌دوام است، اما هنر ایرانیان تجمیع متناسب حالات متفاوت و احساسات متنوع بوده است. صحنه‌های زیادی در تاریخ زندگی‌مان دیده‌ایم که افراد در شرایط بینابینی یعنی پیکار بی‌امان با مخاطرات و دشمنان قرار گرفته، اما روحیه فراوان داشته‌اند و در نهایت جدیت، حال و هوای رفتارشان، شوخی و بذله‌گویی بوده است. این مقام، مقام خوشرویی و شوق تخفیف و تسهیل مشکلات و کم‌رنگ کردن دشواری‌های پیش‌رو بوده است. مقام احساس خوشبختی و فعالیت امیدبخش بوده است، شرایط سرور و سرزندگی بوده است. مصداق‌های این مقام در ایران پرتلاطم فراوان بوده‌اند که اهم آنها جنگ‌ها و دفاع‌های جانانه مردم در برابر دشمنان بوده است. نزدیک‌ترین شرایط به زمان کنونی ما، دوره جنگ تحمیلی است که سربازان میهن در

سخت‌ترین شرایط که مقام جنگ، شلیک گلوله، دشمن و... بوده، بیش‌ترین رفاقت‌ها، تبسم‌ها، شوخ‌طبعی‌ها و مطایبه‌ها را تجربه کرده‌اند. چند جمله از تابلونوشته‌ها و سنگ‌نوشته‌های جبهه چنین بوده است:

نم می‌گفت، جبهه نرو، جبهه میری تخریب نرو، رو مین میری هوا نرو...؛
اللهم ارزقنا ترکشا ریزا؛
آخر حمله می‌شمارند؛
فشنگ خشابتیم؛
مفت باشه، خمپاره جفت‌جفت باشه؛
تسبیحتو بده یک دور بزنییم؛
پس حوری‌ها کجا هستند؟؛
سنگر بگیر سنگگ؛
یکی از کله‌گنده‌های لشگر آمده؛
سرپل ذهاب جلویت را می‌گیرم؛
وام طلاق سراغ نداری برادر.....^۱

نظیر شرایط بالا، در تاریخ دوردست‌تر ایران نیز وجود داشته است که اطلاعات دقیق درباره آنها نداریم. شاهدش این است که با وجود تمام دشواری‌های محیطی و سرزمینی، باز بیشترین جشن‌ها و آئین‌های شادمانی جمعی در کشور وجود داشته‌اند و اکنون نیز به اشکالی ادامه دارند. حال می‌پرسیم که عوامل موثر بر این نوع فرهنگ چه بوده است؟

در کتاب‌های علوم اجتماعی و پژوهش‌های روانشناختی در کشور، بارها این پرسش مطرح شده است که رفتارهای فرهنگی غالب در کشور کدامند و شاخصه‌های اصلی تبیین‌گر آنها چه هستند؟ پرسیده‌ایم که آیا فردگرا هستیم یا جمع‌گرا؟، ساده‌زیست هستیم یا تجمل‌گرا؛ مشارکت‌جو هستیم یا تک‌رو؛ خشن هستیم یا منعطف؛ مهمان‌نوازیم یا خسیس؛ صادق هستیم یا دروغ‌گو؛ مورد اعتماد هستیم یا نامعتمد؛ تنگ‌چشم هستیم یا سخاوتمند؛ حسابگر هستیم یا سهل‌گیر؛ عقلانی هستیم یا احساسی؛ شاد هستیم یا غمگین؛ آیا و صد آیای دیگر!! در مورد هر یک از آیاهای کم‌وبیش معتبری نیز در دسترس داریم. چه خارجی‌ها درباره‌مان

گفته‌اند، چه خودمان به نتیجه‌ای رسیده‌ایم. نکته این است که فراتر از پاسخ به این آیاه‌ها، باید از یک صفت و علاقه مشترک سخن بگوئیم که همگان در آن اجماع و اشتراک داشته‌ایم و حتی در حد باور و نگرش عمیق در جان ما ایرانیان رسوخ کرده است و آن نکوداشت «مقام طبیعت» بوده است.

این وفاق نوعی «فرااجماع» بوده است؛ یعنی فراتر از اجماع‌های افقی قومی، قبیله‌ای، سیاسی و اجتماعی. در واقع نوعی تعیین سرزمینی و طبیعی عمودی وجود داشته است که خود موجد فرهنگی خاص بوده و فراتر از اجماع‌های افقی کوچک گروهی و مکانی عمل کرده است. این فرااجماع، تعصب‌های قومی و قبیله‌ای و سیاسی و اجتماعی را درمی‌نوردید و به افراد هویتی فراتر از فرد، قوم، قبیله، عشیره، شهر و روستا می‌داد. مهم‌ترین دلیل جمع‌گرایی مدنی ایرانیان یعنی جمع‌های فراتر از قومیت و مکان، همین فرااجماع طبیعت است که هویت‌دهنده و وحدت‌بخش نیز بوده است. برای مثال عید نوروز، عیدی فراتر از هر گونه تفکیک مدنی و انتخابی میان سرزمین بزرگ و وسیع ایرانیان است و سازندگی مدنی خاص خود را دارد.

نکته جالب این است که فرااجماع طبیعت، درهم‌تنیده با فرهنگ و به طور خاص دین و باور بوده است و همین موضوع، هستی‌شناسی ایرانی را (حول زمان و مکان) بنا کرده است. طبیعت نزدیک‌ترین مفهوم به زندگی معنوی و جمعی ما بوده است. شاید در جای دیگر چنین پیوندی وجود نداشته باشد. در ایران، این جایگاه عمیق و زاینده بوده و طبیعت، واسطه ما و موجودات ماورایی خاصه خالق کریم بوده است. در جمع‌های هویتی ایرانی، گرامیداشت مقام طبیعت و پاسداشت برکات و ثمراتی که از آن عاید می‌شود، درخواست رزق و روزی از طبیعت، نوعی ستایش و تکریم شادمانه مقام خالق طبیعت را به‌وجود آورده است. این موضوع را با نام «ستایش شادمانه» تعبیر می‌کنیم. طبیعت‌گرایی به‌هیچ‌وجه ما را از خالق دور نکرده است. طبیعتی که با خالق و انسان عجین و همراه است، طبیعتی فرهنگی است که فراتر از هر نوع فرقه‌گرایی و دسته‌بندی‌های انتخابی و سیاسی عمل می‌کند. این طبیعت با تقابل «طبیعت/ فرهنگ» مندرج در ادبیات اجتماعی غربی ناسازگار است؛ این طبیعت، تضاد و تفکیک فرهنگ و طبیعت را برنمی‌تابد و این دو را ادغام شده و واحد می‌خواهد. جالب است این فرااجماع ایرانی قبل از ادبیات موسوم به «توسعه پایدار» وجود داشته است. یعنی قبل از آنکه توسعه غربی از صلح و آشتی طبیعت و فرهنگ صحبت کند، دوستی طبیعت با فرهنگ و مدنیت ایرانی وجود داشته است.

در قرن اخیر، با برنامه‌های جدید دولت با نام‌های «امنیت»، «عمران»، «ترقی»، «توسعه»، در ادغام و اجماع پیشین، تغییراتی صورت گرفته است. در واقع فراجماع «عمران و توسعه» به جای فراجماع پیشین نشسته است. در فراجماع جدید، انتخاب‌های فردی، گروهی، قشری، جنسیتی و جمعیتی اهمیت یافته‌اند و منطق تحولات را به دست گرفته‌اند. اگر چه بر فراجماع جدید، ایده توسعه و شکوفایی و امروزه «پایداری»، سنگینی می‌کند، فراجماع جدید بیشتر حول عنصری انضمامی به نام تکنیک (فن) و تکنولوژی (فناوری) سامان یافته است. فناوری عنصر اصلی انرژی‌بخش به گفتمان توسعه و ترقی است. غلبه‌ی فناوری در گفتمان توسعه‌ی امروزین آن قدر زیاد است که جای «ساختار» را گرفته است و دسته‌بندی‌ها، مقوله‌بندی‌ها و ارزش‌گذاری‌های انسانی و اجتماعی زندگی را تعیین می‌کند. اگر در گذشته طبیعت فرهنگی یا فرهنگ طبیعی در نقش ساختار و بنیان عمل می‌کرد، امروزه فناوری بخش مهمی از این نقش را پذیرفته و حتی تصاحب کرده است. در واقع اکنون بسیاری از رفتارها و انتخاب‌های ما مقتضای فناورانه و صنعتی دارد.

مشکل فناوری این است که از اساس با طبیعت و فرهنگ رقابت دارد. فناوری طبیعت را مرده می‌خواهد، علاقه‌ای به زمان، تاریخ، خاطره و هویت ندارد. در واقع با دور کردن ما و طبیعت از زمان، تاریخ، خاطره و هویت، نوعی طبیعت اجتماعی خنثی و غیرمقاوم می‌طلبد. فناوری، عرصه و اعیان زندگی ما را مرده می‌خواهد و فعالانه به رسالت خود متعهد است، هر چه محیط فناورانه زندگی مان گسترده‌تر می‌شود، دنیای اشیاء و مردگان پیرامون ما نیز افزایش می‌یابد. به آسانی می‌توانیم بگوئیم که هر روزه در دنیای مردگان وارد می‌شویم اما چون احساس انتخاب، کنترل، تسلط و قدرت می‌کنیم، فکر می‌کنیم زنده‌تر می‌شویم. فناوری، کتاب طبیعت را دور می‌اندازد و تعریف ما را از آن عوض می‌کند. فناوری، طبیعت را کوچک‌تر و حقیرتر از ما و خواست ما می‌کند، غافل از اینکه طبیعت مفهومی فراتر از فناوری و منطق علم تخصصی کنونی است.

طبیعت، نماد زندگی و حیات است. هرچه حیات پیرامون زنده‌تر باشد، زنده‌تر می‌شویم. فناوری می‌کوشد متعلقات و دارائی‌های زنده را به کالا و متعلقات مرده تبدیل کند. انسان توسعه‌یافته وابسته به فناوری نیز زنده‌های دورو بر خود را در محاق می‌گذارد و مجموعه‌ای از اشیای بی‌جان مرده و قابل تبدیل اعم از میز، صندلی، مبل، تلویزیون، تلفن همراه و غیره را دور خود جمع می‌کند. آیا این اشیاء بی‌جان ارزش دل‌سپاری دارند؟، آیا روحیه می‌آفرینند؟ نشاط

تولید می‌کنند؟! اشیاء جدید هرچه هوشمند نیز باشند ابزارند، مرده‌اند و باید هر روزه در اثر ورود فرزندان جدید و متکامل‌تر فناوری تعویض و به ظاهر جدیدتر شوند. آیا کالایی شدن زندگی، نشانه سرزندگی و نشاط است؟ آیا نوحواهی‌ها و مدگرایی‌های جدید، علامت نشاط است؟ آیا رقابت‌ها و مصرف‌های اضافی و چشم و هم‌چشمی در زندگی ما نشانه نشاط است؟ جواب، مشروط و تفضیلی است. به آسانی می‌توانیم بگوئیم بخش مهمی از تنوع‌خواهی جدید در کالاها و اشیاء، نشانه شادی‌خواهی زوزافزون است، اما از منظری نشانهٔ مردگی فضای پیرامون نیز هست. بنابراین اگر بگوئیم ایرانیان چشم و هم‌چشمی و مصرف کاذب فراوان دارند، دلیلش ذات و بن‌مایه فرهنگ ایرانی نیست، بلکه بخشی از دلیل آن، دوری ما از دنیای زندگان یعنی طبیعت زنده است. طبیعت مرده، مسلوخ، کالا شده و مبدل، سزاوار تعویض و تغییر است. دل‌سپاری به آن شایسته نیست، در طبیعت فرهنگی ما، متعلقات شامل باغ، گل، درخت، حیوان، فرزند، فامیل و... بودند که به هیچ‌وجه حاضر به تعویض آنها نبوده‌ایم. نشاط در این بود که با این‌ها بمانیم و آنها نیز برای ما بمانند. یعنی اصل بر قدمت و تکرار آنها بود نه تعویض. اما در تعامل با طبیعت کالایی شده، اصل بر تعویض و تغییر است. در تعامل با طبیعت زنده، اصل بر ماندگاری، قناعت، حفظ و پرورش‌گری است. اما در ارتباط با محیط مرده، میل به مصرف زیاد، زوال و تخریب است. اگر مصرف‌گرایی کاذب، چشم و هم‌چشمی بی‌مقصد در خانه‌های ما رخنه کرده است بخشی از دلیل این است که زندگان پیرامون اندک شده‌اند و رودر بایست اخلاق فناوری قرار گرفته‌ایم. این مساله از انسان ناخوب و از ایرانیان ناخوب‌تر است، زیرا ما ایرانیان در احترام به مقام طبیعت زنده، صاحب فرهنگ، ادبیات و تمدن بوده‌ایم. از زمانی که به‌واسطهٔ عطش زیاد دولت‌ها به توسعه و تمرکز، ما نیز به طبیعت دست دوم و بی‌جان علاقه پیدا کرده‌ایم، رفتارهای فرهنگی جدید نیز در ما نضج گرفته است که در اثر تراکم و کثرت آنها تراحم‌شان نیز افزایش یافته است. امروز گاهی مدگرایی‌های شتابان را در زندگی می‌بینیم و آنها را مزاحم یا آسیب‌تلقی می‌کنیم. مد خروجی جامعه مدرن و از ثمرات زندگی خالی از طبیعت است. مد از لوازم زندگی مقهور تقابل و تمایز رایج «طبیعت/فرهنگ» است. هر جا طبیعت غالب است، مدها به حداقل می‌رسند. پیوند فرهنگ و طبیعت، مدها و بسیاری از رفتارهای تراحمی را تعدیل می‌کند. طبیعت، نوحواهی‌های رقابت‌آمیز افراطی را، به پویایی، خلاقیت و ابتکار تبدیل می‌کند. پیوند فرهنگ و طبیعت، رقابت، چشم و هم‌چشمی‌های مدگرایانه و چهره‌نمایی‌های متکثر را کاهش می‌دهد، سادگی را ترویج می‌کند و تکلف و سخت‌گیری‌های نمادین فرهنگی را

کاهش می‌دهد. الگوی مصرف را استدلالی و شناختی می‌کند، کاذب‌بودگی، افسارگسیختگی و سبک‌نمایی را از مصرف می‌گیرد، نشاط را افزایش می‌دهد و شادزیستی را از وابستگی شدید به فناوری، موبایل و ماشین، باز می‌دارد و آن را به فکر، تعقل فرهنگی، عرف و مکان نزدیک می‌کند... کوتاه کلام اینکه شادمانی و شادزیستی در ایران همیشه به فرهنگ و طبیعت نزدیک بوده است.

کتاب پیش‌رو می‌کوشد مقولهٔ نشاط را در خانواده علوم اجتماعی یعنی ادبیات جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جمعیت‌شناختی جست‌وجو کند. کتاب مدعی است در ایران تاریخی، منشاء شادزیستی و فعالیت‌های نشاط‌آور را باید در سایه موضوعاتی مانند فلسفهٔ خلقت، فلسفه طبیعت، آئین‌های نیایش و نحوهٔ معیشت جست‌جو و تبیین کرد. در واقع مولفه‌های «سبک ستایش»، «آئین‌های گذار» و «فرهنگ کار» ارتباط تنگاتنگی با نشاط مردمی در ایران داشته‌اند و دارند. همچنین این مقولات با «جمع» و «جماعت» تنیده شده و معنا یافته‌اند.

پیمایش‌های چندگانه در دهه‌های اخیر (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۵)، با اندکی اختلاف در یافته‌ها، میانگین نشاط در کشور را «متوسط» گزارش کرده‌اند. در این سال‌ها، در میان ایرانیان مورد مطالعه، داشتن شغل مناسب، وجود تفریحات، سرگرمی‌ها، احساس امنیت در جامعه، احساس نابرابری و بی‌عدالتی، ریسک و آزادی، مهم‌ترین عوامل همبسته با افزایش یا کاهش نشاط و رضایت از زندگی در جامعه شمرده شده‌اند. در این میان، بیشترین بار تبیینی شادزیستی در کشور بر دوش شغل، میزان درآمد، امنیت اجتماعی، احساس عدالت و وجود تفریحات و سرگرمی‌ها بوده است.

بخش مهمی از داده‌های کتاب در پژوهشی با موضوع «نشاط اجتماعی در ایران» (سال ۱۳۸۹) با حمایت کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی گردآوری شده است. در سال‌های بعد با بازنگری کامل مطالب و افزودن اطلاعات سال‌های دهه ۱۳۹۰، مطالب در قالب کتاب حاضر تنظیم شده است.

بی‌گمان فرصت انتشار کتاب، نتیجه حمایت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و پذیرش انتشارات محترم دانشگاه تهران بوده است. آقایان سید حمید طهایی و حمید طاهری، دکتر شهلا باقری و دکتر جعفرپور در کمیسیون اجتماعی شورای عالی در بهترشدن محتوای پژوهش، نکات و مشورت‌های مفیدی ارائه نمودند. در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جشن‌های

پیشگفتار □ ض

تاریخی ایران، آقای عظیم لک و در گردآوری داده‌های احساس امنیت در کشور، خانم سمیه حقی همکاری داشته‌اند. خانم مرجانه متقی از فرصت سکونت خود در خارج از کشور و دسترسی‌اش به داده‌های پیمایش‌های جهانی شادکامی استفاده و حدود صد مقاله و پیمایش معتبر را جست‌وجو و در اختیار اینجانب قرار داد. این همکاری برای من بسیار راهگشا و ارزنده بود. خانم‌ها ویدا ایرانپور و مریم فکری نیز در بازخوانی متن نهایی همکاری کردند. از تلاش‌ها، راهنمایی‌ها و همراهی نام‌برندگان صمیمانه تشکر می‌کنم و برایشان آرزوی توفیق می‌نمایم. امیدوارم خوانندگان محترم نیز نقص و کاستی در کتاب را بر مولف ببخشند و اصلاحش را یادآوری فرمایند.

با امید توفیق الهی

موسی عنبری^۱

تابستان ۱۳۹۶